

شاخصه‌های زندگی عاقلانه

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد لقمانی*

مقدمه

عقلانیت و خردگرایی، در آموزه‌های دینی مورد تأکید قرار گرفته است تا آنجا که در قرآن کریم ۴۹ بار از مشتقات ماده «عقل» استفاده شده و واژه‌هایی مانند «یتفکرون، و یتدبرون» بسیار در قرآن آمده است. امام رضا علیه السلام نیز فرموده است: «صَدِيقُ كُلِّ اَهْرِيٍّ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ»^۱ دوست هر انسانی عقل او و دشمن او، جهل اوست». در روایات دیگر نیز عقل، ابزاری برای شناخت حقایق تلقی شده است؛ چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «مَا قَسَمَ اللهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً اَفْضَلَ مِنْ اَلْعَقْلِ»^۲ خداوند چیزی بهتر از عقل برای بندگانش قسمت نکرده است». یکی از اهداف بلند انبیا که در صدد جامعه عقلانی بودند، افزایش خرد جمعی بوده است؛ چنانچه امام علی علیه السلام فرمود: «وَ يُثْبِرُوا لَهُمْ دَفَاتِنَ الْعُقُولِ»^۳ و توانمندی‌های نهفته عقول را ظهور دهند؛ زیرا خرد جمعی موجب افزایش بلوغ فکری می‌شود. در جامعه عقلانی است که مردم رهبرانی را انتخاب می‌کنند که شایسته رهبری هستند. در جامعه‌ای که عقل افول کند، رهبران ظالم و قانون‌شکن بر مسند قدرت قرار می‌گیرند؛ چنانکه در عصر امام حسین علیه السلام حاکمیت جهل مقدس موجب قرار گرفتن نابخردان بر مسند قدرت و شهادت امام علیه السلام شد. بر همین اساس است که امام علی علیه السلام از جامعه‌ای که شور با شعور جابه‌جا شود، به خدا پناه می‌برد و می‌فرماید: «تَعُوذُ بِاللهِ مِنْ سُبَاتِ

* مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۲۶.

۲. همان، ص ۱۲.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ ص ۴۳.

الْعَقْل؛^۱ به خدا پناه می‌بریم از خاموشی عقل». استاد مطهری رحمته‌الله پیرامون نقش عقل در شناخت اصول دین می‌فرماید: «شما کدام مذهبی را در دنیا پیدا می‌کنید که به اندازه قرآن برای عقل احترام قائل شده باشد...»^۲ و نیز می‌فرماید: «یک حمایت فوق‌العاده‌ای از عقل را در متون اسلام می‌بینیم و در هیچ دینی از ادیان دنیا به اندازه اسلام، از عقل یعنی از حجیت عقل و از سندیت و اعتبار عقل حمایت نشده است».^۳ در این نوشتار برخی از شاخصه‌های جامعه عقلانی بیان و تبیین شده است.

۱. شناخت جایگاه عقل و خرد در زندگی

درک و دریافت عقل و تأثیر آن در امروز و فردای زندگی، باعث انگیزه‌ای فراوان در دستیابی به این موهبت الهی می‌شود. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره فرموده است: «برترین موهبت خداوند به بندگان، عقل است؛ زیرا خواب عاقل برتر از بیداری جاهل، و افطار عاقل بهتر از روزه‌داری جاهل است و نشستن عاقل، افضل از قیام جاهل است و خداوند، هیچ پیامبر و رسولی را مبعوث نکرده، مگر با عقل کامل».^۴

۲. آراستگی به علم و دانایی

یکی از شاخصه‌های مهم جامعه عقلانی، آراستگی به علم است؛ زیرا فراگیری علم و دانش، آدمی را از نادانی دور، و زمینه تقویت خردورزی را فراهم می‌کند. از همین روست که امام علی علیه‌السلام فرمود: «الْعَقْلُ وَالشَّهْوَةُ ضِدَّانٍ وَ مُؤَيِّدُ الْعَقْلِ الْعِلْمُ...»^۵ عقل و شهوت، دو دشمن‌اند و تحصیل علم و دانش، مایه تقویت عقل است» و نیز فرمود: «حَقُّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُضَيِّفَ إِلَى رَأْيِهِ رَأْيَ الْعُقَلَاءِ وَ يَجْمَعَ إِلَى عِلْمِهِ عُلُومَ الْحُكَمَاءِ؛ سزاوار است انسان عاقل، رأی خردمندان را به رأی خود بیفزاید و دانش علما و حکما را بر دانش خویش اضافه نماید».

۱. همان، ص ۳۴۷.

۲. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۱، ص ۴۶۴.

۳. همان، ج ۲۳، ص ۱۸۴.

۴. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۱۲.

۵. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم؛ ص ۵۳.

۶. علی بن محمد لیثی واسطی؛ عیون الحکم و المواعظ؛ ص ۲۳۲.

آدمی باید زمان خود را بشناسد و از مقتضیات آن آگاه باشد، خویشتن را با پیشرفت‌های علمی منطبق کند و برای ادامه زندگی به شرایط لازم مجهز شود؛ زیرا جامعه بدون علم، جامعه عقب‌گرا و عقب‌مانده از قافله تمدن است. از همین روست که امام صادق علیه السلام فرمود: «عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ، مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ»^۱ بر خردمند است که زمان خود را بشناسد و به کار خویش پردازد».

۳. زمان‌شناسی و بصیرت‌افزایی

شناخت زمان و پیش‌آمدهای آن، توجه به نیازها و دوری از غافلگیر شدن در حوادث، یکی از نتایج جدایی‌ناپذیر زندگی عاقلانه است. کسی که خردمندانه زندگی می‌کند، هیچ‌گاه بازیچه دست این و آن نمی‌شود؛ چه در مسائل کوچک خانواده و چه در مسائل بزرگ جامعه و کشور و حتی مسائل جهانی؛ از همین روست که فرموده‌اند: «لَا يُلْسَعُ الْعَاقِلُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ»^۲ انسان عاقل از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود». امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوْائِسُ»^۳ عالم آگاه به زمان، مسائل پیچیده بر او شبخون نمی‌زند».

۴. خوش‌سخنی در زندگی

یکی از نویسندگان می‌گفت:

طرح جلدی توسط یکی از طراحان برای کتابم انجام شده بود. من فراموش کرده بودم هزینه آن را بپردازم. روزی یکی از دوستان مشترک من و طراح که برای انجام کاری نزد ایشان رفته بود، مرا دید و شکلاتی به من تقدیم کرد و با خوش‌سخنی بسیار گفت: «فلانی! طراح این شکلات را به من داد تا تقدیم شما کنم و سلام رساند». ناگهان متوجه فراموش کردن پرداخت هزینه شدم!

بسیاری از مشکلات را می‌توان با چهره باز و سخن شیرین و دلنشین حل کرد؛ زیرا بشاشت و گشاده‌رویی در برخوردهای اجتماعی، مایه جلب محبت مردم و قرب و نزدیکی به خداوند

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۱۷.

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۱، ص ۱۳۲.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۲۷.

است.^۱ از همین روست که امام علی علیه السلام در معرفی کم عقل ترین کم عقلا ن فرمود: «أَشْفَهُ السُّفَهَاءِ الْمُتَّبِجِحُ بِفُحْشِ الْكَلَامِ»^۲ نادان ترین نادانان، کسی است که با فحش دادن به مردم، شاد و خرسند شود».

انسان بزرگوار و بردبار، هرگز زبان به فحش و بدگویی نمی گشاید: «مَا أَفْحَشَ كَرِيمٌ قَطُّ»^۳ آدم بزرگوار و با شخصیت هرگز فحش نمی دهد» و نیز فرموده اند: «مَا أَفْحَشَ حَلِيمٌ»^۴ بردبار ناسزا نمی گوید».

خانمی که برای طلاق به دادگاه مراجعه کرده بود، درباره علت طلاقش می گفت:

همسر من علی رغم همه خوبی هایش، نمی خواهد بفهمد من همسر او و مادر دو فرزندش هستم. در مجالس با دست انداختن من، مایه تفریح می شود و من بسیار خجالت زده می شوم. هر چه از او خواهش و التماس کرده ام، بی فایده است. من آدم شوخ و بذله گویی نیستم تا با او مانند خودش رفتار کنم. چون خواهش هایم فایده ای ندارد، اگر چه می دانم بعد از طلاق دچار مشکلات بسیاری خواهم شد؛ اما می خواهم از او جدا شوم.^۵

۵. رضایت به مال اندک با فهم و حکمت

روزی امام موسی بن جعفر علیه السلام به هشام بن حکم فرمود: «إِنَّ الْعَاقِلَ رَضِيَ بِالذُّونِ مِنَ الدُّنْيَا مَعَ الْحِكْمَةِ وَ لَمْ يَوْضَ بِالذُّونِ مِنَ الْحِكْمَةِ مَعَ الدُّنْيَا»^۶ انسان عاقل از زندگی اندک و ناچیز دنیا با فهم و حکمت، راضی و خشنود است و از زندگی عالی و مرفه دنیا، با کمی علم و فهم ناراضی و آزرده خاطر است».

حکمت، نیرویی نورانی و درونی است که به وسیله آن حق و واقعیت قضایا به خوبی درک، و هر عملی متقن و محکم انجام می شود.^۷ حکیم نیز کسی است که قدر و منزلت خویش را می داند و

۱. حسین بن محمد تقی نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۸، ص ۴۵۳.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۷۷.

۳. همان، ص ۲۲۳.

۴. همان، ص ۲۸۶.

۵. ابراهیم امینی؛ آیین همسر داری؛ ص ۴۳.

۶. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۱۷.

۷. علی اکبر قرشی؛ قاموس قرآن؛ ج ۳، ص ۱۶۳.

بر اعضای خود لگام دارد؛^۱ یعنی سنجیده سخن می‌گوید، سنجیده می‌شنود و سنجیده رفتار می‌کند.

۶. پرهیز از هرزه‌گویی و هرزه‌شنوی

شیوه سخن گفتن، به اندازه موضوع سخن مهم است؛ زیرا مردم بیشتر از آنکه قدرت قضاوت داشته باشند، گوشی برای شنیدن دارند.^۲ چه بسا یک جمله کوتاهی که دوستی‌های دیرینه را به دشمنی مبدل کرده و حتی سرنوشت کشورها را دگرگون ساخته است.^۳

سکوت یا خاموشی در پاره‌ای مواقع، برتر از سخن گفتن و در همه عرصه‌ها عالی‌تر از هرزه‌گویی است؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «الضَّمْتُ وَقَارٌ، الْهَدْرُ عَارٌ،^۴ الْخَصْرُ خَيْرٌ مِنَ الْهَدْرِ...»^۵ خاموشی تمکین و وقار، و هرزه‌سرایی یا بیهوده‌گویی، عیب و عار است. عاجز بودن از حرف زدن، بهتر از هرزه و پوچ گفتن یا بسیار گفتن است.^۶

این زبان چون سنگ و هم آهن و شست
و آنچه بجهد از زبان چون آتش است
سنگ و آهن را مزن بر هم گزاف
گه ز روی نقل و گه از روی لاف
ز آن که تاریک است و هر سو پنبه زار
در میان پنبه چون باشد شرار
ظالم آن قومی که چشمان دوختند
ز آن سخن‌ها عالمی را سوختند
عالمی را یک سخن ویران کند
روبهان مرده را شیران کند^۷
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ وَ الرَّفْقُ نِصْفُ الْمَعِيشَةِ»^۷ دوستی و مهربانی با مردم، نیمی از عقل است و رفق و مدارا، نیمی از [رفاه و راحتی] زندگانی می‌باشد.

۱. فؤاد افرام بستانی؛ فرهنگ ابجدی عربی - فارسی؛ ج ۱، ص ۳۳۹.

۲. چیستر فیلد.

۳. بتنام.

۴. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم؛ ص ۲۱۶.

۵. همان؛ ص ۲۱۳.

۶. جلال‌الدین محمد مولوی بلخی؛ مثنوی معنوی؛ دفتر اول، بخش ۸۶، بیت ۱۵۹۴، سایت گنجور.

۷. <https://ganjoor.net/moulavi/masnavi/daftar1/sh/86>

۷. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۶۸، ص ۳۴۹.

۷. ادب و احترام به دیگران

احترام به شخصیت مردم، باعث جلب مهر و محبت و رمز پیروزی و شادکامی است. از این رو یکی از مهم‌ترین عوامل سازگاری در خانواده و اجتماع، احترام به شخصیت و عزت نفس تمام افراد در خانواده و اجتماع است.

انسان از احترام دیگران نسبت به خود، خشنود و دلشاد می‌شود و آن را بزرگ‌ترین نیکی درباره خود می‌داند؛ هم‌چنانکه از اهانت و تحقیر دیگران ناراحت و خشمگین می‌شود و آن را بدترین رفتار نسبت به خود می‌داند. در واقع انسان به طور طبیعی، دوستدار کسی است که به او نیکی کرده است و دشمن کسی است که به او بدی کرده است؛ چنانکه رسول‌خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «جِبَلَتِ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا وَ بُغْضِ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا»^۱ دل‌ها بر دوست داشتن آن کس که بر آن‌ها نیکی کند و دشمن داشتن آن کس که به آن‌ها بدی نماید، سرشته شده است.

در روایتی آمده است: مردی نزد رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و عرض کرد: «به من چیزی بیاموزید که به وسیله آن داخل بهشت شوم». حضرت فرمود: «آنچه را که دوست داری مردم نسبت به تو رفتار کنند، تو نیز درباره مردم همان‌طور عمل کن و آنچه را که میل نداری درباره تو عمل کنند، تو هم نسبت به مردم آن‌طور رفتار مکن».^۲

همان‌طور که ما از اهانت دیگران آزرده‌خاطر و ناراحت می‌شویم و ممکن است از خود عکس‌العمل موهن نشان دهیم، اهانت ما نیز برای دیگران ناراحت‌کننده و دردناک است؛ بنابراین اگر با عکس‌العمل موهن آنان مواجه شدیم، باید خویشتن را ملامت نماییم. از همین روست که در روایات، ادب را برترین معیار عقل‌گرایی و بهترین همراه و همنشینی در خردورزی دانسته‌اند: «الدِّينُ وَ الْأَدَبُ نَتِيجَةُ الْعُقُلِ»^۳ دینداری و ادب‌ورزی، ثمره خردمندی است.

از خدا جوییم توفیق ادب	بی ادب محروم ماند از لطف رب
بی ادب تنها نه خود را داشت بد	بلکه آتش در همه آفاق زد
در میان قوم موسی چند گس	بی ادب گفتند کوسیر و عدس
منقطع شد خوان و نان از آسمان	ماند رنج زرع و بیل و داسِمان

۱. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۳۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۴۶.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ تصنیف غررالاحکم و دررالکلم؛ ص ۸۴.

از ادب پرنور گشته است این فلک وز ادب معصوم و پاک آمد ملک^۱

۸. پرهیز از تعصب و استبداد رأی

جمود فکری، تعصب خشک یا استبداد رأی، یکی از آسیب‌های رایج میان صاحبان هوش چشمگیر و استعداد عالی است. عالمان اخلاق این رخداد تلخ را «تکیه کردن به حکم هوای نفس» دانسته‌اند که نوعی انعطاف‌ناپذیری و جزم‌گرایی را به همراه می‌آورد و فرد را به لغزشگاه‌های انحصارطلبی یا پرتگاه‌های استبدادپیشگی می‌کشاند. از همین روست که امام علی علیه السلام فرموده است: «حَقُّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُضَيِّفَ إِلَى رَأْيِهِ رَأْيَ الْعَقَلَاءِ وَ يَضُمَّ إِلَى عِلْمِهِ عُلُومَ الْحُكَمَاءِ»^۲؛ سزاوار است انسان خردمند، رأی خردمندان را به رأی خود بیفزاید و آگاهی خویش را با به دست آوردن دانش حکیمان و دانایان افزون سازد». اهمیت این مسأله تا آنجاست که خداوند خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»^۳ و در کارها با آنان مشورت کن». امام رضا علیه السلام درباره مشورت کردن پیامبر صلی الله علیه و آله با یارانش فرموده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَانَ يَشْتَشِيرُ أَضْحَابَهُ ثُمَّ يَغْزِمُ عَلَى مَا يُرِيدُ»^۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته از اصحابش در کارها مشورت‌خواهی می‌کرد و سپس برای انجام دادن خواسته‌اش تصمیم می‌گرفت».

مشورت ادراک و هشپاری دهد عقل‌ها مر عقل را یاری دهد
گفت پیغمبر بکن ای رأی زن مشورت کالمستشار مؤتمن^۵

۹. مهربانی با مردم

آفرینش بر اساس رحمت و مهربانی آفریدگار بنا شده است: «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ»^۶ پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده». کتاب انسان‌ساز قرآن و واژه‌واژه سخنان پروردگار نیز

۱. جلال‌الدین محمد مولوی بلخی؛ مثنوی معنوی؛ دفتر اول، بخش چهارم، بیت ۷۸، سایت گنجور.

<https://ganjooor.net/moulavi/masnavi/daftar1/sh/4>

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم؛ ص ۵۵.

۳. آل‌عمران: ۱۵۹.

۴. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسایل الشیعه؛ ج ۱۲، ص ۴۴.

۵. جلال‌الدین محمد مولوی بلخی؛ مثنوی معنوی؛ دفتر اول، بخش ۵۷، بیت ۱۰۴۳، سایت گنجور.

<https://ganjooor.net/moulavi/masnavi/daftar1/sh/57>

۶. انعام: ۵۴.

همراه با آرامش و مهرورزی برای دین‌باوران نازل شده است: «و نُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»^۱ و ما آنچه از قرآن فرستادیم، شفا [ی دل] و رحمت [الهی] برای اهل ایمان است». فرستادگان پروردگار و سرسلسله رسولان نیز برای رحمت و مهربانی به جهانیان مبعوث شده‌اند: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۲.

در میان کارهای خیر و پسندیده، مهربانی نسبت به هم‌نوعان و حتی حیوانات، از ممتازین حسنات است که سبب ریزش برکات الهی می‌شود، چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «بِبَدْلِ الرَّحْمَةِ تُسْتَنْزَلُ الرَّحْمَةُ»^۳ با مهربانی و رحمت، رحمت الهی فرو می‌بارد». ای صاحب کرامت، شکرانه سلامت روزی تفقدی کن درویش بی نوا را^۴

امام علی علیه السلام در توصیه‌ای به دوستان، صالحان و پیروان خویش فرموده است:

قلب خود را به مهربانی با مردم و دوست داشتن آنان عادت دهید که نرمی و محبت به انسان‌ها، شادی و آشتی با آنان را فراهم می‌کند، دلیل زیرکی و نجابت فرد است، تنیدی مخالفت و یا دشمنی را می‌کاهد، کلید درست‌اندیشی و سلوک راه است، باعث سرفرازی و نجات و زمینه‌ساز ریزش رحمت الهی و فراوانی برکات است. کسی که رحم نمی‌کند، رحم نمی‌شود و همان‌گونه که مهربانی و گذشت می‌کنید، به شما مهربانی می‌شود.^۵

افزون بر آثار مهرورزی در زندگی فردی و اجتماعی، مهربانی در خانواده یا زندگی زناشویی نیز برکات فراوان می‌آفریند و کینه‌ها و کدورت‌های ویرانگر را دور می‌کند؛ چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا نَظَرَ إِلَى امْرَأَتِهِ وَ نَظَرَتْ إِلَيْهِ نَظَرَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِمَا نَظَرَ الرَّحْمَةِ»^۶ به راستی چون مردی به همسرش و همسرش به او از روی مهر بنگرد، خداوند بزرگ آن دو را با دیده مهر بنگرد».

۱۰. راستی

برترین نشانه عاقل واقعی، آن است که به دروغ آلوده نمی‌شود؛ گر چه میل فراوانی به گفتن آن

۱. اسراء: ۸۲.

۲. انبیاء: ۱۰۷.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۲۴۶.

۴. شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی؛ دیوان غزلیات؛ غزل پنجم.

۵. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ غررالحکم و دررالکلم؛ ج ۷، ص ۱۳۳.

۶. ابوالقاسم پاینده؛ نهج الفصاحة؛ ص ۲۷۸.

داشته باشد؛ چنانکه امام کاظم علیه السلام فرموده است: «إِنَّ الْعَاقِلَ لَا يَكْذِبُ وَ إِنْ كَانَ فِيهِ هَوَاهُ؛^۱ به درستی که عاقل دروغ نمی‌گوید؛ گر چه میل او به دروغ باشد». رسول‌خدا صلی الله علیه و آله درباره ریشه دروغگویی فرموده است: «دروغگو، دروغ نمی‌گوید؛ مگر به خاطر حقارتی که در نفس خود احساس می‌کند».

امام صادق علیه السلام نیز به گونه‌ای لطیف و دلنشین وظیفه عاقل را توصیه کرده و فرموده است: «يُنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ صَدُوقًا لِيُوْمَنَ عَلَى حَدِيثِهِ وَ شُكُورًا لِيَسْتَوْجِبَ الرِّيَازَةَ؛^۲ سزاوار است شخص عاقل راستگو باشد تا به سخنش اعتماد کنند و سپاسگزار نعمت‌ها باشد تا باعث افزایش نعمت‌ها گردد».

۱۱. نیکوسازی کارها و تدبیر درست و بجا

کوشش درست و دقیق و تدبیر شایسته و عمیق، نماد دلسوزی و خردمندی است تا افزون بر خوب کار کردن، کار خوب کردن نیز تحقق یابد و رهاورد این دو، کارنامه‌ای روشن و برکت‌آفرین برای انسان رقم زند. امام علی علیه السلام این ویژگی عاقلان را در سخنی زیبا ترسیم کرده و فرموده است: «الْعَاقِلُ مَنْ أَحْسَنَ صَنَائِعَهُ وَ وَصَّعَ سَعْيَهُ فِي مَوَاضِعِهِ؛^۳ عاقل کسی است که ساخته‌های خود را نیکو بسازد و کوشش خود را در جایی که لازم است، به کار اندازد».

سپردن کارها به غیر متخصصان و کم‌خردان که به دور از برنامه‌ریزی و آینده‌نگری سرمایه‌های ملی را هدر می‌دهند، رهاوردی جز نابودی سرمایه‌های یک مرز و بوم، تلف کردن اندیشه‌ها و استعداد‌های پر فروغ ندارد و افزون بر آن، راه را برای کارهای عالمانه و پیشرفت‌های هوشمندانه مسدود می‌کند. از این روست که امام علی علیه السلام فرموده است: «قِسْوَامُ الْعَيْشِ حُسْنُ التَّقْدِيرِ وَ مَلَائِكَةُ حُسْنِ التَّدْبِيرِ؛^۴ مایه سامان‌یابی زندگی، برنامه‌ریزی درست و ملاک آن، تدبیر کارشناسانه است».

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۱، ص ۱۴۳.

۲. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۳۶۴.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم؛ ص ۵۴.

۴. علی بن محمد لیثی واسطی؛ عیون الحکم و المواعظ؛ ص ۳۷۰.

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲. امینی، ابراهیم؛ آیین همسررداری؛ چاپ بیست و نهم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ش.
۳. بستانی، فؤاد افرام؛ فرهنگ ابجدی؛ ترجمه رضا مهیار؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۴. پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحة؛ چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم؛ تصحیح مصطفی درایتی؛ چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.
۶. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد؛ دیوان غزلیات؛ به کوشش خطیب رهبر؛ تهران: نشر صفی‌علیشاه، ۱۳۸۸ش.
۷. شریف‌الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغة؛ تصحیح صبحی صالح؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۸. قرشی، علی اکبر؛ قاموس قرآن؛ چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ چاپ اول، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
۱۰. لیبی واسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم و المواعظ؛ چاپ اول، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.
۱۱. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ چاپ هشتم، قم: صدرا، ۱۳۷۲ش.

سایت

سایت گنجور؛ اشعار جلال‌الدین محمد مولوی بلخی.